

استراتژی حبس کشیدن!

احمد زید آبادی

حبس کشیدن هم انواع و اقسامی دارد. زندانیان سیاسی هرکدام به طریق خاص خود و بنا به استراتژی مشخص یا نامشخصی حبس می‌کشند. اختلاف در استراتژی حبس‌کشی، در بندهای سیاسی بعضا بدون تنش هم نیست، به خصوص اینکه رفتار يك نفر معمولا تنبیه یا محدودیت دسته‌جمعی در پی دارد.

زنده‌یاد مهندس سحابی در خاطرات خود از یکی از زندانیان مارکسیست سخن می‌گوید که به هنگام بازدید یکی از مقام‌های ساواک شیراز از بند سیاسی زندان عادل‌آباد، زمینه‌ساز حادثه‌ای پرهزینه می‌شود. گویا مقام ساواک از زندانی سیاسی‌ای که در حال مطالعه روی تخت خود بوده است، اسم کتاب مورد مطالعه را می‌پرسد. او هم جواب تند و اهانت‌آمیزی به ساواکی می‌دهد. در چشم برهم‌زدنی، جرقه درگیری فیزیکی زده می‌شود و آتش آن تمام بند را فرا می‌گیرد. زندانیان به حمایت از همبندی خود و گارد زندان و ماموران ساواک در دفاع از رییسشان زد و خوردی را آغاز می‌کنند که طرف مغلوب آن طبعا زندانیان می‌شوند.

در پی زد و خورد و اهانت‌های متقابل، زندانیان را به سلول‌های انفرادی منتقل می‌کنند. در واکنش به این تنبیه، زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا می‌زنند. ساواک هم بر امور زندان مسلط می‌شود و اعتصاب غذا را با توهین و اجبار به شکستن آن پاسخ می‌دهد.

مهندس سحابی را از انفرادی به دفتر رییس زندان می‌آورند و با ریختن مقداری آب‌گوشت ماسیده به حلقش، او را به شکستن اعتصاب غذایی وادار می‌سازند. رییس زندان که تا پیش از آن تاریخ، با احترام تمام با سحابی روبرو می‌شده است، برای خودشیرینی یا رفع اتهام از خود، چاک دهانش را می‌گشاید و مرحوم مهندس را زیر رگبار زشت‌ترین الفاظ می‌گیرد. طعم این اهانت و بدزبانی غیرمنتظره و بی‌دلیل در کام سحابی به قدری تلخ می‌آید که دیگر مصائب ناشی از آن حادثه را حاشیه‌ای می‌بیند.

خلاصه، هر يك از زندانیان را هفته‌ها یا ماه‌ها در انفرادی نگه می‌دارند و بعد به تدریج به بند عمومی منتقل می‌کنند. در عین حال تمام امکانات بند را مثل دسترسی به کتاب و آشپزی و تردد آزاد در

بند را از آنان می‌گیرند. در تک تک اتاقها را می‌بندند و ماموران را به نگهبانی در سالن می‌گمارند به طوری که هر زندانی حتی برای استفاده از سرویس بهداشتی باید از نگهبان اجازه می‌گرفته است. این وضعیت اسفبار دو سال آزرگار ادامه پیدا می‌کند.

مهندس سحابی با نقل این خاطره درصدد برآمده است به زندانیان سیاسی هشدار دهد که با رفتارهای احساسی امکانات خود را در داخل زندان نسوزانند و هزینه بی‌دلیل بر خود و هم بندیان‌شان تحمیل نکنند.

در سالن 12 زندان گوهردشت کرج، هرگاه که برخی هم‌بندیان تصمیم به اقداماتی از نگاه من پرهزینه و امکانات‌سوز می‌گرفتند، ترجیح‌بند توصیه من یادآوری این خاطره مهندس سحابی در جمع آنان بود. این توصیه اوایل کار بی‌اثر نبود اما به تدریج از اثر افتاد تا آنکه حتی یک روز، یکی از هم‌بندیان در ترغیب زندانیان سیاسی به اعتصاب غذا یا چیزی شبیه به آن، همین خاطره را از کتاب خاطرات مهندس سحابی نقل کرد و گفت:

مهندس سحابی توضیح داده است که چطور فلان چریک نستوه مثل شیر در مقابل مقام ساواک غرید و او را رسوا کرد. مگر ما چیزی کم از او داریم!

منبع: روزنامه اعتماد 2 مرداد 1402 خورشیدی